

گفت‌وگوی «جام‌جم» با
قطب الدین صادقی، کارگردان
نمایش «عروسی خون»

بیگانه از دنیای شاعرانه‌لورکا

در یادواره شهدای خبرنگار غزه تشریح شد:

مظلومیت جلی جلاد

ضرورت تدارک شبکه گسترده رسانه‌ای جبهه مقاومت

«جام‌جم» در گفت‌وگو با کارشناسان
از یک جنگ رسانه‌ای تمام عیار در غزه گزارش می‌دهد

رسوایی ۳ دروغ رسانه ای



گفت‌وگوی «جام‌جم» با افشین صادقی کارگردان فیلم «زنبور کارگر»

دو روی سکه قصاص و بخشش

سید کاظم موسوی | نویسنده



آینده مبهم سازمان صهیونیستی بهائیت

به گواه تاریخ، رابطه تشکیلات بهائیت با صهیونیست‌ها به پیش از تأسیس دولت اشغالی اسرائیل بازمی‌گردد. زمانی که عبداللها در سال‌های ۱۹۱۳-۱۹۱۱ پیش از آغاز جنگ جهانی اول به اروپا و آمریکا رفته بود، لابی صهیونیست او را از طرح تشکیل دولت صهیونیستی در سرزمین‌های فلسطین مطلع کرد. از این روزمانی که وی به شهر عکا بازگشت، در ملاقات‌های خود با یهودیان به آنها وعده تشکیل دولت صهیونیستی را می‌داد. این مطلب را نیز در منابع بهایی چون: شرح مسافرت‌های عبداللها به غرب، خاطرات حبیب مؤید، قرن بدیع نوشته شوقی و... آمده است.

ساکن شدن عبداللها در عکا در راستای تحقق اهداف صهیونیست‌ها در تشکیل دولت یهود بود. به‌اقرار اخبار امری، ارگان تشکیلات بهائیت (اخبار امری بهمن-اسفند ۱۳۴۰، موشه شارت اولین وزیر خارجه اسرائیل، دوستی عمیقی با عبداللها داشت.

شوقی سومین سرکرده بهائیت در لوح نوروز ۱۰۸ بدیع، تأسیس اسرائیل را تحقق وعده الهی معرفی کرده و وظایف مهم، ایجاد حسن رابطه و همکاری با دولت صهیونیستی اسرائیل را به آنها گوشزد می‌کند. زیر بنای بودیت العدل (مرکز مدیریت بهائیت) در آینده نزدیک در این کشور ایجاد شود. گرچه تأسیس آن به عمر شوقی کفاف نداد. در مقابل اسرائیل هم از سر شوق و شغفی که به‌دست آورده بود، بهائیت را در کنار دیگر ادیان ابراهیمی به رسمیت شناخت. (اسماعیل رابین، اشعاب در بهائیت، ص ۱۷۰-۱۶۹)

از این رو می‌توان خاستگاه اصلی سازمان تشکیلات بهائیت را اسرائیل دانست نه مکان دیگری را؛ به‌طوری‌که روحیه (مری) ماکسول بیه شوقی در این باره گفته است: «ما به اینجا (اسرائیل) تعلق داریم.» (اخبار امری ده‌ماه سال ۱۳۴۰)

هرگاه رژیم صهیونیستی در طول حیاتش به‌ویژه در جنگ با اعراب با بحران جدی روبه‌رو شد؛ این تشکیلات بهائیت بود که در کنار غرب سراسیمه و سینه‌چاک به دفاع از اسرائیل پرداخت. به استناد اسناد ساواک در سال‌های ۱۹۶۲، ۱۹۷۳، ۴/مورخ ۵/۱۰/۴۶)

با پیروزی انقلاب اسلامی که نور امید نجات‌بخشی برای مستضعفان جهان بود، مسلمانان منطقه غرب آسیا در لبنان و سرزمین‌های اشغالی به پیام آسمانی انقلاب اسلامی

لیبیک‌گفته و برای رهایی از دست ظلم صهیونیست‌های اسرائیلی به‌پاخاسته و مبارزه‌ای کارخانه در قالب‌های گوناگون از دست خالی گرفته تا انتفاضه با سنگ را آغاز کردند که امروز به موشک رسیدند. صهیونیست‌ها که چنین روزهایی را هم در خواب نمی‌دیدند در هراس با ضعف و زبونی در بمباران کور اقدام به کشتار زنان و کودکان بی‌دفاع می‌کنند. بیشتر به‌ویژه در کشتار صبرا و شتیلا، این زنان و کودکان بودند که به دست سربازان کودک‌کش اسرائیل جان خود را از دست دادند و در جنگ ۳۳ روزه هم چنین کردند. امروز که جوانان فلسطینی توانستند با شناسایی دقیق که ماه‌ها به‌طول انجامید و برنامه‌ریزی دقیق و هوشمندانه، دشمن صهیونیستی را وادار به شکست خفت‌بار کنند، اسرائیل هم چون گذشته برای سرپوش نهادن به شکست خود چاره‌رادر کشتار زنان و کودکان دیده است، به‌طوری‌که طبق آمار بیش از نیمی از شهدا، زنان و کودکان هستند. بهائیان مانند گذشته با توسل به رسانه‌هایی که در دست دارند از کشتار کودکان توسط اسرائیل حمایت می‌کنند و دیدند که این تاکتیک نخ‌نما شده نمی‌تواند راه نجات رژیم صهیونیستی قرار گیرد به دروغ بنانه برده و اخباری در این راستا چون سر بریده شدن کودکان توسط نیروهای حماس ... منتشر کردند. یکی از اولین افرادی که این‌گونه اخبار را منتشر کرد کسی نیست جز شارون تا سلیمانی آوگینساز؛ او بهایی ایرانی تبار است که در خدمت ارتش اسرائیل قرار دارد. شارون، سلیمانی در ۱۴ سالگی به اسرائیل مهاجرت کرده و حالا دهمین صفحه فارسی وزارت خارجه اسرائیل است. او ادعا کرده این خبر بدون مستنداتش را از یک سرباز اسرائیلی شنیده است که این دروغ بزرگ به قدری قبیح و وقیح بود که صهیونیست‌ها نتوانستند پاسخگوی افکار عمومی جهانپان باشند. از این رو آن‌را رد کردند. اما سایت‌های بهایی‌وشبکه‌من‌وتو و اینترنشنال هم‌چنان این خبر جعلی را منتشر می‌کنند.

باتوجه به این‌که رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای چند سال پیش فرمودند: اسرائیل ۵۸ سال آینده را نخواهد دید و امروز نیز شاهدیم چگونه نیروهای حماس عملیات طوفان الاقصی را در صحنه رزم برنامه‌ریزی و اجرا کردند، نوید است از آن می‌دهد که فرمایشات حضرت آقا قبل از زمان بیان شده در حال تحقق است.

به گفته سران بهائیت، پیوند ناگسستنی میان اسرائیل و این سازمان صهیونیستی وجود دارد و حال این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که برنامه آینده این سازمان چیست؟ برنامه‌های آنها برای بعد از فروپاشی اسرائیل چیست و قرار است به کجا پناه ببرند؟ آیا همان سرنوشتی که قرآن کریم به قوم بنی اسرائیل نوید داده شامل حال ایشان می‌شود یا این‌که سازمان سیاسی-امنتی صهیونیست‌ها برای همیشه به تاریخ خواهند پیوست؟

چرا غربگرایان به طوفان الاقصی نگاه متفاوتی دارند؟

۲ سیمای یک نبرد



چرا این حماسه غزه، حتی اگر هزار بلابر سرش بیاورند، تا ابد ضربه‌ای به اسرائیل، این زراد خانه سلاح و جنایات غرب وارد آورده که از یاد نرفتنی و نقطه بازگشت ناپذیری است و راه پیروزی را هموار می‌کند؟

چرا این حماسه غزه، حتی اگر هزار بلابر سرش بیاورند، تا ابد ضربه‌ای به اسرائیل، این زراد خانه سلاح و جنایات غرب وارد آورده که از یاد نرفتنی و نقطه بازگشت ناپذیری است و راه پیروزی را هموار می‌کند؟

سیمای نسخه‌های مهلک انحلال طلبان

پرشش جدی و منصفانه‌ای درباره نبرد کنونی فلسطینی‌ها وجود دارد؛ چرا جنگ اسرائیل علیه غزه را امری جنایت بار ارزیابی می‌کنیم و جنگ غزه علیه اسرائیل را بی‌تغییر، شکوهمند، حماسی و دلبرانه می‌خوانیم؟ این یک بام و دو هوا نیست؟ چرا هست واقعا یک جنگ از منظر هر طرف یک حال و هوای دیگری دارد. درک نکردن این تفاوت و تضاد، نشان بی‌اطلاعی و جهل، یا اغراض آگاهانه و ظالمانه خواهد بود، چرا؟

دلایل چنان بدیهی و مکرر است که نیازی به بازگویی نیست. آن‌که فرق عیان بین ظالم و مظلوم را برده پوشی می‌کند، دچار مشکلی درمان ناپذیر است. میلیارد‌ها انسان به روشنی می‌دانند تفاوت جنگ غاصب برای سرکوب صاحب حق، برابر با جنگ مغضوب یا غصب شده برای احقاق حق نیست. هر دو قتال می‌کنند اما این کجا و آن کجا. اکنون قصد تحلیل جرایمی ارزش قهرمانانه نبرد کنونی و علت آن نیست که نقطه عطف بازگشت ناپذیری است. هر چه فلسطینیان بیشتر پایداری کنند و ادامه دهند، عزیزترند و برعکس، هر چه غاصبان بیشتر کشتار و ویران کنند و کاشانه‌ها بر باد دهند، نایم درند‌تر بر پیشانی خود حک می‌کنند. می‌خواهم به جراتی میان ما پاسخ دهم که به سبب سرشت تسلیم طلبانه‌اش برابر قدرت غرب همواره در بزنگاه‌ها با سیمایچه لیبرال، نسخه‌های مهلک انحلال طلبانه پیچیده

آنان که از نام مقاومت نگرانند

رقمبست‌های غربگرا حالا چه می‌گویند و بهانه‌شان در تضعیف جبهه مقاومت عملا به سود اسرائیل چیست؟ و چرا آنها همواره از پیروزی هرجریان مقاومت ناراحت می‌شوند و آرزوی شکست می‌کنند که حرف‌شان درباره نادرستی ایستادگی برابر شیطان وحشی به کرسی بنشیند و ایران به موجود کثیفی مانند عضو ناتو نوکری آمریکا و اسرائیل مثل ترکیه اردوغان تبدیل شود. این ویژگی قرآنی منافقان نیست؟

می‌گویند در برابر عملیات طوفان الاقصی، باید از هر اقدامی که باعث خدشه‌دار شدن منافع ملی شود اجتناب کنیم و از اقدامات ضد عقل و برخلاف منافع ملی بپرهیزیم. منافع ملی و امنیت ملی برای ما در اولویت است، چه کسی با این نصایح میرهن مخالف است؟ اما موضوع آن است که غربگرایان بارها درست آنچه را که حفظ و دفاع از امنیت و منافع ملی ما بود بازگوئه معرفی کردند، نظیر امروز که تکلیف دفاع علنی از ملت مظلوم مسلمان و مغضوب الحق را که فرمان قرآن، عقل، آدمیت و عدالت است ناهوشیاری و خلاف منافع ملی نام می‌گذارند یا دفاع رسانه‌های انقلابی

ویژه فرهنگ - هنر |
رسانه - جامعه
یکشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۲



را با غیظ جنگ لفاظی‌های فراوان رسانه‌ای می‌نامند. در حالی که خوب می‌دانند جنگ رسانه‌ای در دفاع از سیاست ملی و اسلامی و انقلابی جمهوری اسلامی و راه صحیح صد باره به اثبات رسیده ولایت فقیه نامش لفاظی نیست و لفاظی ادای عقل درآوردن و پوشش بردلانه در انفعال برابر ظلم وحشیانه دشمنان انسانیت و آزادی و عدالتخواهی میلیاردها مردم مسلمان و مستضعف و روال چاکرانه برابر اربابان متفرعن جهان است. نصایح بویچی که به معنی دهان باز کردن و نهان کردن است لفاظی است. این که بگوییم شاید (بله شاید!) از جنگ برابر نتانیاهو گریزی بود یا نبود! اما باید همیشه خواهان پایان عادلانه و شرافتمندانه جنگ بود که عوارض آن راکسانی تحمل می‌کنند که لزوماً طرف‌های اصلی میدان نیستند!

آیا این سخن بیماردل و نهان‌روش، عادلانه و شرافتمندانه است؟ کدام مظلومی جنگ را شروع و بنا می‌کند. جنگ مظلوم که مأود دفاعی است حتی وقتی به تجاوزگر حمله می‌کند، طرف اصلی میدان به حساب نمی‌آید؟ وقتی حق و تاریخ و مقاومت یک ملت گواهی می‌دهد طرف اصلی میدان همان مدافعان حقوق بی‌شرمانه نقص شده‌شان هستند؛ این‌گونه تردید افکنی مذبذبانه شرافتمندانه است؟ لفاظی حقیقی همین نیست؟

ماهوا متضاد و پایداری که جوانه زد

اولین نکته‌ای که آنان عملا به فراموشی می‌سپزند وجود ماهوا متضاد مردم غزه و اشغالگران صهیونیست است. مردم غزه نماد مردم فلسطین اند. نماد ستمی که به فلسطین رفته، فشرده اشغال، فشرده صبرا و شتیلا و رنج بی‌حد اردوگاه‌ها و اما همه درندگی مورد حمایت قدرت‌ها و نهاد‌های بین‌المللی، سبب تسلیم و سازش نشده‌است. سالیان طولانی غاصبان محاصره کردند و زجرشان دادند و کشتند و در به درشان کردند و به زندان‌شان افکندند اما از شهادت و محبسی به نام غزه در قفس افکندندشان. اما در این قفس شکوهمندترین پایداری جوانه زد. غزه روح آوازی و شکیب برنج‌هاست. ۷۰ درصد آواره، این جغرافیای ۳۶۴ کیلومترمربعی را پر کرده، پس آوازی فلسطینی در هیچ‌جا چون غزه زیسته نشده‌است. تضاد فی نیست که روح مقاومت فلسطین در غزه فروان می‌کند. غزه کابوس اسرائیل است. اگر فتح به دام چاله بی‌باوری به جهاد در غلغیت برعکس، مقاومت در حماس فرزند غزه به اوج رسید. سیاست سرکوب تحریم، کشتار در غزه همواره بر طبل کوفت، غزه جوانه انقلاب اسلامی است. ذلت نمی‌پذیرد، روح حسینی دارد از سرچشمه انتظار می‌نوشد و تا چنین است و رو به خدا و جهاد برای خدا و عزت اسلام و رها از خرافات دولت‌های نفئی و نژادگرایی عربی دارد، عزیز است. اگر نبرد اخیر هیچ دستمادی نمی‌داشت این‌که پیش چشم اسرائیل عملیات بزرگی علیه اسرائیل شکل گرفت که مایه رسوایی نهاد‌های امنیتی، اطلاعاتی و نظامی اوست، کفایت می‌کند که طنین مرگ صهیونیسم از غزه شنیده شود.

بیروان ایده‌های اسرائیل

غربگرایان ما که تحمل پیروزی جبهه جهانی مقاومت ضد استکباری را ندارند در این مواقع سهپاتی می‌پراکنند تابه نفع دشمنان انقلاب اسلامی طعم پیروزی را با تلخی شکست دیگرگون کنند. مثلا می‌گویند ما برای پیشرفت اقتصادی نیازمند امنیت هستیم و نباید به فضای درگیری که تأثیر منفی بر توسعه اقتصادی ما می‌نهد، دامن زبیم.



برای خواندن متن کامل
کودک را
اسکرین کنید